



رابطه حقوق پناهندگی و حقوق بین الملل بشر

حسین ظفري دوازده امامي^۱، حسن ظفري دوازده امامي^۲، کبری ظفري دوازده امامي^۳

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

hossin3106@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی منابع آب، دانشگاه شهرکرد

hazafari1376@gmail.com

۳- دیپلم تجربی

kobrazafari1234@gmail.com

چکیده :

پناهندگی در طول تاریخ مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است و امروزه به یکی از مهمترین تحولات سیاسی-اجتماعی در حوزه بین الملل تبدیل شده است. رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و حمایت از پناهندگان یکی از موضوعات مهم نظری است که توجه متخصصان حقوق بین الملل و سازمان های بین المللی را به خود مشغول داشته است. پناهندگی و جست و جو برای یافتن مأمنی مناسب برای فرار از خطرات تهدیدکننده، پدیده ای به قدمت تاریخ بشری است. نظام حقوقی بین المللی، روش های معینی برای برخورد با قربانیان در شرایط خاص به وجود آورده است. کمیته بین المللی صلیب سرخ، مسئول اجرای کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی آن، کمیساریای عالی حقوق بشر، مسئول رسیدگی به قربانیان نقض حقوق بشر و کمیساریای عالی پناهندگان مسئول رسیدگی به فرار اجباری می باشند. این پژوهش، مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع آوری داده ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای است. حقوق بشر دوستانه و قوانین حقوق بشر، اغلب اهداف و آمال یکسانی دارند. هدف اولیه آن ها توسعه حمایت از حقوق بشر در هر شرایطی و در تمام انواع منازعه ها و کشمکش ها است. در زمینه پناهندگی نیز شناسایی و احترام به حداقل استانداردهای بشر دوستانه می تواند هم در کشور مبدأ برای جلوگیری از موج های عظیم پناهندگی و هم در کشورهای محل اقامت و یا در صورت بازگشت به وطن، برای ایجاد حداقل شرایط بشردوستانه لازم برای راه حل های قابل دوام، مفید باشد.

واژگان کلیدی: حقوق پناهندگی، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه.

۱- مقدمه :

یکی از موضوعات مهم و نوین در حقوق بین الملل، حقوق پناهندگان است. از این رو، حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث های حقوقی از جمله: حقوق بشر در حقوق بین الملل مطرح شده و در گردهمایی های جهانی، عهدنامه هایی نیز در این خصوص به تصویب رسیده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۰ بیان می دارد: «هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جست و جو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. هدف حمایت از پناهندگان در حقوق بین الملل و حقوق اسلامی، استقرار عدالت و مبارزه با ستمگری است که خداوند آن را در فطرت هر انسانی نهاده است. از این رو، تمام دولت ها و جوامع انسانی، به ویژه کشورها و ملت های اسلامی، باید به این اصل حیاتی که ندای فطرت انسان هاست، پاسخ مثبت داده و با همکاری مطلوب خود در جهت تحقق عدالت و نابودی ظلم در همه ابعاد آن و از جمله در مورد پناهندگان و آوارگان بکوشند. اگرچه



اعلامیه جهانی حقوق بشر، به انگیزه حمایت از پناهندگان تدوین نگردیده، لیکن در بردارنده حقوقی برای همه انسان ها، صرف نظر از تعلق آن ها به کشور یا مذهبی خاص است» (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۵).

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «مجمع عمومی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیری تدریجی، ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آن ها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آن ها می باشند، تأمین گردد. اساسی ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه که شامل پناهندگان نیز می شود، عبارتند از: برخورداری از تمام حقوق و آزادی ها، حق زندگی و امنیت شخصی، منع هرگونه شکنجه و رفتار خلاف شئون بشری، برابری همه افراد بشر در برابر قانون، حق عبور و مرور و انتخاب آزادانه محل اقامت و...» (فرد، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو را می توان اصلی ترین منبع حقوق پناهندگان در مقررات بین المللی دانست که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. اهم تعهدات این کنوانسیون عبارت است از: عدم تبعیض، اشتغال با دستمزد، آزادی رفت و آمد، تعلیمات دینی و ... (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۶).

آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد، تبیین رابطه بین حقوق پناهندگی و حقوق بین الملل بشر است.

۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به وجود نظرات گوناگون در خصوص پناهندگان و بررسی مشکلات و موانع در خصوص حقوق پناهندگان با توجه به قواعد و حقوق بشر بر آن شدیم تا تحقیقی تحت این عنوان با بررسی جنبه های گوناگون آن به رشته تحریر در آورده باشیم، که عبارتند از:

- بررسی علل و عوامل موجود در پیدایش پناهندگی.
- بررسی نقش نهادها و سازمان های بین المللی در تحقق حقوق پناهندگی.
- ضرورت بررسی حقوق بیگانگان در کشور پذیرنده.

۳-۱- سؤالات پژوهش

۱- پایه و اساس حقوق بین الملل پناهندگان در کدام اسناد بین المللی است؟

۲- حقوق و تعهدات پناهندگان در کشور پناهنده چیست؟

۴-۱- فرضیه های پژوهش

۱- به نظر می رسد، کنوانسیون وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ پایه و اساس حقوق بین الملل پناهندگان را تشکیل می دهد.

۲- به نظر می رسد، از جمله حقوق و تعهدات پناهندگان در کشور پناهنده، حق برخورداری از حمایت اصل منع اعاده یا بازگشت قهری به کشوری که حیات یا آزادی آن ها در آن کشور در معرض تهدید خواهد بود.

۵-۱- ادبیات و مبانی پژوهش

در این بخش به بررسی و تدقیق واژه پناهندگی، پناهندگی در فقه اسلام، تفاوت پناهنده با مهاجر، شرایط قبولی پناهندگی و انواع پناهندگی (سیاسی، اقتصادی و نظامی) پرداخته شده است.

حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث های حقوقی، در حقوق بین الملل مطرح شده و در این خصوص، عهدنامه هایی نیز به تصویب رسیده است. پناهندگی به عنوان یکی از ویژگی های حیات بین المللی عموماً با یک مکان و یک محل جغرافیایی ملزم است و از جمله دلایل آن: ناآرامی، تشنج و بحران در بسیاری از نقاط جهان است که میلیون ها نفر را وادار به ترک دیار خود کرده است. از سویی دیگر، شکاف فزاینده سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در میان کشورها و ملل مختلف و نقض اصول استانداردهای رفتار دولت ها با اجتماع تحت حکومت خود از جمله دلایل ایجاد معضل پناهندگی است. البته می توان وجود و پیشرفت روزافزون پدیده پناهندگی را سیاسی دانست. پناهندگان، قربانیان سیاست های تجاوزگرانه خارجی، جنگ، عدم تحمیل عقیده مخالف، اعمال زور



و فشار هستند که خواسته یا ناخواسته از سوی دولت ها به عنوان ابزارهای سیاست خارجی جهت اعمال فشار بر سایر کشورها به کار گرفته می شوند (هدایتی، ۱۳۹۶: ۴۰).

لغت «پناهندگی» در لاتین از کلمه (asylon) یونانی اخذ شده است که به معنای توقیف نشدن یا آزاد بودن از توقیف می باشد. در قطعنامهٔ موصوب اجلاس سال ۱۹۵۱ کمیسیون حقوق بین الملل، پناهندگی چنین تعریف شده است: «پناهندگی؛ حمایت یک دولت از فردی است که در جستجوی سر پناهی در قلمرو یا مکان های متعلق به ارگان های آن دولت، برآمده است. معمولاً یادآوری می نمایند که مفهوم پناهندگی نباید با پناهجو یکی پنداشته شود. بر طبق سنت، پناهندگی به معنای حق پناه بردن بوده است، درحالی که پناهجو کسی است که در جستجوی پناهگاهی در سرزمین دولتی دیگر که زادگاه یا محل اقامت او نیست، بر آمده است» (اخوان، ۱۳۹۵: ۶۷).

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در ماده ۱؛ تعریف فراگیر از پناهنده ارائه داده و می گوید: «پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد و در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می برد و نمی تواند و یا به علت ترس مذکور نمی خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد و نمی تواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور بازگردد». طبق تعریف مذکور پناهنده از نظر منابع بین المللی بیگانه ای است در کشور پذیرنده، به دلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان و مال و آزادی خود به کشور دیگری پناهنده می شود (اردلان، ۱۳۸۷: ۹۵۷).

۱-۵-۱- پناهندگی در فقه اسلام

در فقه، مفهومی به نام «پناهندگی» وجود ندارد و به جای آن از عباراتی همانند: آمان، زنهار و معاهد، استفاده شده است. این تأسیس حقوقی در واقع، قرارداد پیمان مأمونیت و مصونیت بیگانگانی است که قصدشان عبور از کشور اسلامی و یا اقامت موقت در آنجاست. در نتیجه، اعطای آمان به کفار از طرف مسلمانان با انعقاد قرارداد امان است. این قرارداد از نوع عقد، محسوب شده که نیازمند ایجاب و قبول است، که بعد از انعقاد قرارداد حقوق و وظایفی برای طرفین (مؤمن و مستأمن) ایجاد می شود. استجاره و امان در واقع نوعی قرارداد مصونیت سیاسی بیگانگان در کشور اسلامی است که به موجب این اصل، دولت اسلامی و یا هر فرد مسلمان در هر حال می تواند به بیگانه ای که قصد اقامت موقت در کشور اسلامی را دارد، امان بدهد (وزیری و حمیسی، ۱۳۸۷: ۳۵۶). در نتیجه، حقوق پناهندگان به عنوان یکی از مفاهیم حقوق بین الملل خصوصی به ویژه در دودهده اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته شده است (اردلان، ۱۳۸۷: ۹۵۳).

در فقه، به کسی که دین اسلام ندارد و با حکومت اسلامی عقد ذمه، منعقد نکرده، ولی به اذن دولت اسلامی به منظور تجارت و یا نیاز دیگر وارد قلمرو اسلامی می شود (چون به او امان از تعرض داده شده)، مستأمن (در مقابل معاهد) گویند و امانش به طور مطلق است و مقید به وقت معینی نیست. در اصطلاح فقهی نیز پناهنده به فرد، افراد یا گروهی اطلاق می شود که به دلایل مختلف مجبور به ترک مکانی می شوند و به جایگاه دیگر پناه می برند (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۰).

در فقه امامیه جمعی از متخصصین از جمله: شیخ طوسی؛ پناهنده را معادل مستأمن گرفته و حقوق و تکالیف پناهنده را همان حقوق و تکالیف مستأمن دانسته اند و باورمند هستند که؛ مستأمن و معاهد کسی است که برای مدت محدود نه برای اقامت دائم وارد کشور اسلامی می شود (اخوان، ۱۳۹۵: ۷۶).

در مقابل، جمعی از متخصصین باورمند هستند که پناهنده از نظر فقه اسلامی محدود به مورد مستأمن نمی شود؛ زیرا در صورت قبول نظر گروه اول، دولت اسلامی مکلف به دفاع از پناهندگان در برابر خطرات خارجی نیست و تنها لازم است دولت اسلامی و افراد مسلمان که تحت فرمان این دولت می باشند مزاحمتی برای مستأمنین ایجاد نمایند؛ چون فرد مستأمن از ترس ظلم قدرت های دیگر به دولت اسلامی پناه نبرده است، بلکه عقد آمان صرفاً برای رفع خطر از جانب دولت اسلامی با مستأمن منعقد می شود، در نتیجه با مفهوم پناهندگی در حقوق بین الملل و حتی حقوق داخلی کشورها متفاوت است (هدایتی، ۱۳۹۶: ۴۲).



میزبان گذشته از عدم تعرض به پناهنده متعهد می گردد از جوار خویش در مقابل هرخطر و تجاوزی دفاع نماید. براین اساس، پناهنده فردی است که به واسطه عواملی مثل: ترس از ظلم و ستم دیگران، به دولت اسلامی پناهنده شده است (حمیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳). در نتیجه، پناهنده شخصی است که برای فرار از ظلم و طغیان دیگران و نجات دادن خود و یا افرادی که مسئولیت حمایت از آنان را برعهده دارد به کشور دیگر روی آورده و درصدد است از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن کشور استفاده کند و امنیت لازم را به دست آورد. در نتیجه، همه کسانی که به موجب آیه ۷۵ سوره نساء^۱؛ «خداوند متعال، مسلمانان را به دفاع از آنان فراخوانده»، در صورت پناهندگی مصداق بارز پناهنده خواهند بود. در آیه ۶ توبه^۲ آمده است: «اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود؛ پس او را به مکانی امن که می خواهد برسان.»

فقهها، پناهندگی را درآیه استیمان^۳ موجز کرده و پایه را برآن قرار داده اند. بعضی از متخصصین؛ امان و پناهندگی را به صورت زیرتعریف نموده اند: دادن تأمین جانی و مالی به دشمن به طور موقت یا مطلق یا دائم به موجب پیمان های مخصوص (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ۳۳).

علامه حلی، پناهندگی را بدین صورت تعریف نموده است: عقد امان، متارکه با کفار به منظور پذیرفتن درخواست آن ها مبنی بر مهلت دادن است. پناهندگی به عنوان یک حق، وضعیتی است که به موجب آن فرد مجبور می شود که به کشوری پناهنده گردد (حلی، ۱۴۲۰: ۱۳۰). این وضعیت به تعبیر اعلامیه حقوق بشر اسلامی در ماده ۱۲ به گونه ای است که فرد در صورت تحت ظلم قرار گرفتن و یا به واسطه ترس از جان و مال و خانواده (آن هم به دلایلی که به خاطر جرم طبق موازین شرع نباشد) مستحق و شایسته پناهندگی می شود؛ در این صورت، باید به وی پناه داد (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۹).

۲-۵-۱- تفاوت پناهنده با مهاجر

مهاجر، در لغت عبارت است از کسی که از موطن خود به جای دیگر منتقل می گردد و یا کسی که از جایی به جای دیگر هجرت گزیده است (معین، ۱۳۸۶: ۱۷۷). در اصطلاح، مهاجر عبارت است از: کسی که به صورت انفرادی و یا به همراه خانواده خود از جایی به جای دیگر نقل مکان می نماید، مشروط بر اینکه فاصله زیادی را طی کرده باشد (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۷۰۹). بعد از شکل گیری مرزهای بین المللی، مهاجر معنای خاص تر و محدودتری پیدا نموده است. مهاجر، افراد تبعه یک کشور را شامل می شود که به دلایل مختلف به کشور دوم کوچ می کنند، چه قانونی و یا غیر قانونی. مهاجران؛ گروهی آسیب پذیرند که شهروند کشوری که در آن زندگی می کنند، نمی باشند. این آسیب پذیر بودن ناشی از وضعیت بیگانه بودن آنها در کشور میزبان می باشد، به ویژه از این جهت که ممکن است با زبان، قوانین، عرف و رویه ملی آن کشور نا آشنا باشند و کمتر از سایر شهروندان بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. از یک دیدگاه، مهاجر کسی است که به کشور پذیرنده می آید تا برای مدت طولانی مستقر شود و در طول زمان شهروندی را کسب نماید. مثل: مهاجرانی که از اروپا به آمریکای شمالی مهاجرت نموده و در جریان قرن نوزدهم جمعیت آمریکای شمالی را تشکیل دادند. از دیدگاهی دیگر، مهاجر کسی است که حتی با قصد اقامت یک روزه به محلی جدید مهاجرت می نماید، به شرطی که هدف وی؛ استقرار در محل جدید به قصد مهاجرت باشد (زنجانی، ۱۳۸۵: ۵۲). در این میان تعریفی که سازمان ملل متحد ارائه کرده است مورد توجه می باشد، بر این اساس که نظر اول را تأیید نموده است: «کسانی که قصد اقامت در محل جدید برای بیش از ۱۲ ماه را دارند مهاجر تلقی می شوند» (قلی پور، ۱۳۸۶: ۲۶).

کسانی که قصد اقامت در محل جدید برای بیش از ۱۲ ماه را دارند مهاجر تلقی می شوند. بیشتر کشورها تعریف سازمان ملل متحد از مهاجر را پذیرفته اند، اما تعریف مهاجر در چارچوب های حقوقی از کشوری به کشور دیگر مختلف است. درحقیقت تعریف مهاجر به دو عامل وابسته است. یک عامل، عامل جغرافیایی است که به معنای گذر از مرزهای سیاسی ملی و استقرار در سیستم

^۱. «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء، ۷۵).

^۲. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه، ۶).

^۳. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، ۶).



سیاسی متفاوت است، و عامل دوم که از بُعد انسانی مطرح می شود، به معنای داوطلبانه بودن و شخصی بودن تصمیم در نقل مکان می باشد (سجاد پور، ۱۳۸۴: ۲۲).

در واقع، مهاجر کسی است که به دلایلی جدا از آنچه که در تعریف پناهنده آمده است، به طور داوطلبانه کشور خود را به منظور اقامت در جای دیگر ترک می کند. چنین فردی ممکن است به دلیل تغییر آب و هوا، دلایل خانوادگی یا شخصی، محل زندگی خود را عوض کند. اگر وی منحصرأ به خاطر دلایلی اقتصادی تغییر مکان دهد، مهاجر اقتصادی محسوب می گردد، نه پناهنده (نظری، ۱۳۶۷: ۲۴).

یکی از مصادیق پناهندگی هجرت است. گاهی اوقات شاهد هستیم که شرایط برای رشد و بالندگی و فعلیت بخشیدن به استعداد های حتی در دارالاسلام فراهم نیست و این مسئله ممکن است از عواملی مختلف سرچشمه بگیرد از جمله: خفقان سیاسی و در معرض ظلم قرار گرفتن در کشور محل سکونت به نحوی که مسلمان نتواند عقیده خود را آزادانه بیان کند یا جامعه از لحاظ شرایط و امکانات زندگی، تحصیل یا تجارت در سطحی پائین قرار دارد. در نتیجه اسلام در بعضی شرایط مسلمانان را ترغیب می کند که اگر شرایط زندگی برایشان ناگوار است به نحوی که حقوقشان به طور کامل استیفا نمی شود یا اینکه اگر در آنجا بمانند، مجبورند قوانین دینی و اخلاقی و روح شریعت را زیر پا گذارند، مهاجرت انجام دهند (بوآزار، ۱۳۶۹: ۱۸۹).

شرایطی در این خصوص وجود دارد. از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف: سوره نساء آیه ۹۷ می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ. قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ. قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا. فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»؛ آنان که هنگام مرگ و قبض روح بمیرند، در حالی که به خویشتن ظلم کرده اند (یعنی ظلم پذیر بوده اند)، فرشتگان از آنها باز پرسند که در چه کار بودید (چرا اعمال خوب انجام نداده اید) پاسخ دهند که روی زمین مردمانی به ضعف و ناتوانی کشیده شده مستضعف بودیم و اسیر ظلم حکام جاهل و کافر بودیم. فرشتگان گویند آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن کوچ و هجرت کنید. از محیط کفر و ظلم به سرزمین علم و ایمان و آزادی بشتابید؟ و عذر آنها را نمی پذیرند و جایگاه آنان جهنم است. و بازگشت آن ها به جای بسیار بدی است. در این آیه، خداوند مسلمانان را سرزنش می کند که چرا زیر بار ظلم باقی مانده و به سرزمین دیگر هجرت نکرده اند (وزیری و حمیسی، ۱۳۸۷: ۳۵۸).

ب: دیگر دلیلی که برای مهاجرت بیان شده طلب علم است. اسلام با نفی نظام طبقاتی علم و دانش را در انحصار گروهی خاص ندانسته و همگان را به تحصیل علم و دانش تشویق و ترغیب می کنند. امام صادق (ع) فرمود: «طلب العلم فريضة من فرائض الله». طلب دانش تکلیفی از تکالیف خداست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۲: ق).

۳-۵-۱- شرایط قبولی پناهندگی

مجرمینی که در دادگاه صالحه با قضاوت عادلانه، با داشتن وکیل مدافع محکوم شده اند و حال به خاطر فرار از زندان، کشورشان را ترک می کنند، پناهنده محسوب نمی شوند؛ اما فعالان سیاسی که به خاطر مسائل سیاسی یا غیرسیاسی مجرم شناخته شده و تحت پیگرد قانونی هستند، چه بی گناه و چه گناهکار می توانند، اگر تقاضای پناهندگی کنند، پناهنده محسوب می شوند. زنان به خاطر فعالیت های سیاسی و مسائل مذهبی و نژادی و وابستگی های قومی ممکن است مورد پیگرد قرار بگیرند. کسی که مورد تبعیض یا رفتار غیرانسانی قرار گرفت، حق پناهندگی دارد. در سال ۱۹۸۴ اعضای پارلمان اروپا به این نتیجه رسیدند، زنانی که به خاطر نپذیرفتن قوانین اجتماعی مورد حمله و رفتار غیرانسانی قرار می گیرند، جزء گروه های خاص اجتماعی محسوب می شوند و حق پناهندگی دارند. آمریکا، کانادا، سوئیس، هلند و آلمان از این قوانین پیروی می کنند. طبق قوانین فرانسه، کانادا و آمریکا، هتک حرمت، نوعی آزار است و خانمی که به خاطر ترس از هتک حرمت فرار کرده، حق پناهندگی خواهد داشت. تخطی از مقررات عمومی کشور و نادیده انگاشتن قوانین عمومی که مستوجب مجازات حبس یا مجازات دیگری باشد را نمی توان، دلیلی برای کسب پناهندگی تلقی کرد. به عنوان نمونه؛ صادرکنندگان چک بی محل نمی توانند تقاضای پناهندگی کنند (حمیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۱).

برای قرارداد امان و پناهندگی شرایط و ویژگی هایی را نام برده اند، که در کلام برخی فقها و حقوقدانان مسلمان آمده است. نبود مفسده و شرط مصلحت از جمله مواردی است که غالباً بدان اشاره شده است. شهید اول: «یکی از شرط های امان دادن را نبود



مفسده می داند، یعنی همین مقدار که برای اسلام و مسلمانان ضرر نداشته باشد، کافی است و مصلحت داشتن، شرط امان نیست» (جبل عاملی، ۱۴۱۰: ۳۶۸).

برخی حقوقدانان اسلامی قائلند: در مشروعیت قرارداد امان همین مقدار کافی است که برای اسلام و مسلمین ضرر نداشته باشد، ولی مصلحت داشتن برای اسلام و یا مسلمین در آن شرط نیست. اما به نظر می رسد که نبود مفسده تنها برای امان دادن بس نباشد، چون که بنا به آیه استیمان مقصود پناهنده شدن، مسلمان شدن و یا چیزی است که نفعش عاید اسلام شود. علامه حلی، عقد امان را با اعتبار مصلحت، جایز می داند و تصریح می کند: اگر مصلحت، عدم اجابت را اقتضا کند، امان داده نمی شود و امان دادن برای یک مُشرک و یا بیشتر فرقی نمی کند و اگر امان را برای شنیدن کلام خداوند و شناخت اسلام طلب کند، اجابت آن واجب است (حلی، ۱۴۲۰: ۱۳۶). ایشان امان را با وجود مصلحت، صحیح و موارد آن را چنین می داند: «انما یصح مع المصلحه اما استماله الکافر لیرغب فی الاسلام او لترفیه الجند او لترتیب امورهم او لیدخلوا دارنا و ندخل دارهم فنطلع علی عوراتهم».

الف- دلجویی از کفار، تا به اسلام رغبت پیدا کنند.

ب- غلبه سپاه اسلام واستراحت و رفع خستگی از آنان.

ج- توقف جنگ به دلیل کمی نیروهای اسلام.

د- رفت و آمد برای پی بردن به اسرار آنان (حلی، ۱۴۲۰: ۱۶).

۴-۵-۱- انواع پناهندگی

پناهندگی^۴ در فقه اسلام از جنبه های مختلف، تقسیماتی دارد و این مسئله بیانگر اهمیت دادن اسلام به مسئله پناه دادن بی پناهان و صلح و آرامش جامعه انسانی است. پناهندگی سیاسی:

این مفهوم به کسانی گفته می شود که به وی پناهندگی سرزمینی یا دیپلماتیک داده شده است. چنین شخصی ممکن است واجد وصف پناهندگی به مفهومی که در کنوانسیون های مربوط آمده است باشد یا نباشد. پناهندگی سیاسی از طرف دولت به یک فرد داده شده در سرزمینش، پناهندگی سرزمینی نامیده می شود. پناهندگی سیاسی داده شده در دیگر مکان ها، بیشتر املاک یک سفارت یا سفارتخانه، ذیل عنوان فرا سرزمینی یا به گونه ویژه، پناهندگی دیپلماتیک قرار گرفته است (اخوان، ۱۳۹۵: ۶۷).

شخصی که از پناهندگی بهره مند می شود، پناهنده سیاسی خوانده می شود. بر پایه تعریف پذیرفته شده در حقوق بین الملل یا حقوق داخلی، چنین کسی ممکن است پناهنده شناخته شود یا نشود. مؤسسه حقوق بین الملل تعریفی از پناهندگی سیاسی به دست داده است. در این تعریف، به دلایلی که فرد بر پایه آن خواستار پشتیبانی است اشاره نمی شود: در قطعنامه های کنونی واژه پناهندگی اشاره به حمایتی دارد که یک دولت در سرزمینش یا مکان دیگری که برخی از زیر مجموعه هایش صلاحیت خود را اعمال می کنند، به فردی می دهد که آن را درخواست می کند. در پیشنویس کنوانسیون پناهندگی (سیاسی) سرزمینی که انجمن حقوق بین الملل در ۱۹۵۲ ارائه کرد، نیز تمایزی میان پناهنده در مفهوم سیاسی که برخی آن را پناهندگی عام می دانند و پناهنده به مفهوم خاص وجود دارد (فرد، ۱۳۹۶: ۱۲۳). بر پایه این سند، پناهندگی سیاسی مفهوم گسترده تری از پناهندگی دارد. در واقع، در مورد پناهندگی سیاسی تنها به آزارشدن اشاره شده و سخنی از دلایل آن به میان نیامده است. به نظر می رسد که همین باز بودن دست دولت ها و بر پایه صلاح دید خود عمل کردن، می تواند اینگونه پناهندگی را بیشتر دارای جنبه سیاسی کند، درحالی که در پناهندگی به مفهوم اخص که موضوع کنوانسیون و پروتکل پشتیبانی از پناهندگان است، دولت ها بر پایه دلایل و شروط مصرح عمل می کنند و در واقع تکلیفی که کنوانسیون بر عهده آنها گذاشته است، باید انگیزه اصلی پذیرش فرد به عنوان پناهنده باشد؛ هر چند در عمل دولت ها در این مورد نیز در کنار تکالیف حقوق ایشان به مصالح و منافع سیاسی خود سخت توجه دارند؛ ولی پیشینه تاریخی پناهندگی به مفهوم عام، نشانگر انگیزه های سیاسی آشکار و دادن ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، واژه پناهندگی سیاسی را در اشاره به مواردی به کار برده که کسی بدون

4. Refugee



ذکر دلایل ویژه خواستار پشتیبانی است و به شکل خاص تنها وضعیت های مستلزم مورد آزار و اذیت قرار گرفتن به علت ارتکاب جرایم غیرسیاسی یا اقدام های معارض، هدف ها و اصول منشور ملل متحد را از دامنه شمول این مفهوم خارج کرده است. بنابراین، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز واژه پناهنده سیاسی را در مفهومی گسترده تر از مفهوم پناهنده، به گونه ای که در کنوانسیون وضع پناهندگان تعریف شده، به کار برده است (اخوان، ۱۳۹۵: ۷۲).

پناهندگی اقتصادی:

طبق قواعد استجاره در فقه و تأمین اقتصادی، بازرگانان کُفار می توانند با امنیت کامل تجاری در کشور مسلمانان به امر بازرگانی و انجام معاملات اقتصادی اقدام نمایند. البته اعطای چنین پناهندگی بستگی به میزان نیازی دارد که جامعه اسلامی نسبت به کالاهای وارداتی آنان و صدور کالاهای مورد نظر تولیدی خود احساس می کند (سرافراز، ۱۳۹۳: ۷۹).

پناهندگی نظامی:

منظور از پناهندگی نظامی، درخواست پناهندگی کُفار در صحنه های جنگ است که طبق شرایط و ضوابط خاصی، سربازان و فرماندهان ارتش و امام مسلمانان به چنین کسانی تأمین می دهند و در نتیجه، اعطای چنین تأمینی آنان را از اسارت، و اموالشان را از غارت و غنیمت حفظ می کند (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۲).

۵-۱- پناهندگی در حقوق بین الملل

از آن رو که مسئله پناهندگی روز به روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند، آشنایی پناهندگان با حقوق و وظایف خود امر ضروری به نظر می رسد. این آشنایی، هم موجب دفاع آگاهانه پناهندگان از حقوقشان می شود و هم آن ها را با وظیفه قانونی خود آشنا می سازد. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریف جامع و فراگیری از پناهنده ارائه داده است (هدایتی، ۱۳۹۶: ۳۸). در قسمتی از ماده مذکور، پناهنده به شخصی اطلاق شده که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه ها یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می برد و نمی تواند - یا به علت ترس مذکور نمی خواهد - خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد. یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می برد، نمی تواند - یا به علت ترس مذکور نمی خواهد- به آن کشور بازگردد. این کنوانسیون، افرادی را از شمول مقررات خود استثنا کرده است؛ از جمله:

الف- افرادی که مرتکب جنایتی علیه صلح یا جنایت جنگی شده باشند.

ب- افرادی که پیش از آنکه در کشور پناه دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن مرتکب جنایت عمده ای شده باشند که مشمول مجازات عمومی می باشد.

ج- افرادی که مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند (دانش پژوه، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

۶-۱- پیشینه پژوهش

کریمی (۱۳۸۹)، در اثر خود با عنوان "نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین الملل"، استنتاج کرده است که علم وجود تأکیدات و تشکیل کنوانسیون ها و اتخاذ تدابیر گوناگون در عرصه حقوق بین الملل، به واسطه فقدان ضمانت اجرایی قوی، دولت های پذیرنده پناهنده خود را ملزم به رعایت مقررات نمی دانند. در نتیجه، در جهان شاهد تعداد زیادی از انسان های پناهنده هستیم.

اردلان (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان "پناهندگی دیپلماتیک"، به این نتیجه رسیده است که تحولات در روابط بین الملل و مناسبات جهانی بر روی حقوق بین الملل تأثیرگذارده و مفاهیم متعلق به این حوزه را نیز دچار تحول کرده است. از جمله پناهندگی به نمایندگان دیپلماتیک، که در خارج از قلمرو تحت حاکمیت دولت ها صورت می گیرد، یکی از موضوعات حقوق دیپلماتیک به عنوان بخشی از حقوق بین الملل است که در شرایط متفاوتی همواره رخ داده و رفتار دولت های سرزمینی را در مقابل آن به محک زده است. گرچه اعطای پناهندگی سرزمینی، از حقوق مطلق حاکمیتی دولت ها شناخته شده و نه تنها سابقه ای باستانی و عُرفی دارد، بلکه با اصول حقوق بشر نیز پیوند خورده است. اما اعطای پناهندگی در خارج از قلمرو و در اماکن نمایندگی دیپلماتیک از شمول این قاعده عُرفی خارج بوده و لذا تفاسیر متعدد و تحولات متفاوتی را به خود دیده است.



۲- روش شناسی :

این پژوهش، مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی بوده و روش جمع آوری داده ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای است. در روش کتابخانه ای، بیشتر بررسی و مطالعه کتب داخلی مربوطه، مجلات و فصلنامه ها و اسناد تاریخی منتشر شده، مورد تأکید قرار گرفته و پس از گردآوری و طبقه بندی اطلاعات تجزیه و تحلیل آن ها صورت گرفته است.

۳- بحث درباره یافته ها :

رابطه حقوق پناهندگان و حقوق بین الملل بشردوستانه:

از آنجا که مخاصمات مسلحانه، موج عظیمی از آوارگی انسان ها را به دنبال می آورد و انسان های نیازمند به حمایت بین المللی متقاضی پناهندگی می گردند، از این رو حقوق پناهندگان باحقوق بین الملل بشر دوستانه مرتبط می باشد (خضری، ۱۳۸۶: ۹۷). این امر شامل: گسترش مفاهیم حقوق پناهندگی و به کارگیری اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می گردد. دو بُعد خاص راهبردی که این تحول را نشان می دهند عبارتند از:

۱- تضمین حمایت بین المللی:

پاسخ کمیساریای عالی پناهندگان به بحران آوارگان و قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی بعد جدیدی در حمایت بین المللی از پناهندگان محسوب می شود که به طور بنیادی با گرایش های سنتی در خصوص حمایت بین المللی از پناهندگان متفاوت می باشد. در واقع شکاف و خلأ بین ابزارهای سنتی حمایت از پناهندگان و ضرورت حمایت مؤثر از کسانی که نیازمند حمایت بین المللی در شرایط مخاصمات مسلحانه هستند. موجب شده است که کمیساریای عالی پناهندگان از طریق رویه و عمل خود به ایجاد قاعده حقوقی در زمینه پناهندگان بپردازد. کمیساریا در سال ۱۹۹۴ طی یادداشتی با عنوان «حمایت بین المللی» به همین مطلب می پردازد و متذکر می گردد که «تعدادی کثیری از افرادی که نیازمند حمایت بین المللی هستند علی الاصول، خارج ازشمول ابزارهای اصلی بین المللی حمایت از پناهندگان قرار دارند». کمیساریای عالی پناهندگان ضمن اشاره به خلأ ابزارهای بین المللی و منطقه ای ناظر به حمایت از حقوق پناهندگان، از کلیه دولت ها دعوت میکند تا تدابیری اتخاذ کنند که همه آنهایی که احتیاج به حمایت بین المللی دارند، تحت حمایت قرارگیرند (ممتاز، ۱۳۸۲: ۳۰). گسترش مفهوم حمایت موقت، مستلزم مبانی حقوق متناسبی می باشد که می تواند مکمل کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ یا بخشی از آن کنوانسیون می باشد.

۲- تقویت حمایت درون کشوری:

از لحاظ اصول حقوقی مواد معینی از حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، در مورد آوارگان داخلی قابل اعمال است. پناهندگانی که قربانی یک درگیری مسلحانه می شوند و یا گرفتار دشمن شده و یا در کشور میزبان تحت تأثیر جنگ واقع می شوند، توسعه حقوق بین الملل بشردوستانه حمایت می گردند. کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی، از پناهندگان، به خصوص پناهندگانی که در سرزمین های اشغالی به سر می برند، حمایت ویژه ای می کند. کنوانسیون چهارم، به اصل «منع بازگرداندن» نیز که حقوق پناهندگان بر اساس آن بنا شده است، اشاره می کند. اشخاصی که در یک درگیری مسلحانه در کشور خود آواره شده اند، به وسیله قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه که از جمعیت غیرنظامی حمایت گسترده ای به عمل می آورد، حمایت میشوند. هدف قواعد مذکور، به ویژه حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر اثرات جنگ است؛ مثال: حمله به آنان یا ترساندن آنها، استفاده از قحطی و گرسنگی به عنوان یک روش جنگی یا نابود کردن اشیاء ضروری برای بقای آن ها ممنوع است. آوارگان در یک درگیری داخلی به وسیله ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل دوم، حمایت می شوند (هدایتی، ۱۳۹۶: ۴۴).

حقوق بشردوستانه تغییر مکان اجباری را به استثنای مواردی که در آنها جابه جایی برای تضمین امنیت جمعیت غیر نظامی ضروری یا تحت الشعاع دلایل نظامی باشد، منع می کند. به علاوه حمایت عمومی که حقوق بشردوستانه آن را برای جمعیت غیر نظامی تضمین می کند، باید این اثر را داشته باشد که آوارگی را محدود کند (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱: ۴۳).



منابع حقوق پناهندگی در حقوق بین الملل:

یکی از موضوعات مهم و جدید در حقوق بین الملل، حقوق پناهندگان است که در عصر کنونی، علی رغم پیشرفت های صنعتی، رعایت اخلاق و حقوق انسانی نسبت به یکدیگر ضعیف، وستم و تجاوز به حقوق انسان ها، به ویژه نسبت به زیردستان و ضعیفان، بیش تر شده است، به طوری که گاهی موجب فرار و کوچ دسته جمعی عده ای از افراد یک کشور به کشور دیگر می شود. از این رو، حقوق پناهندگان در کنار سایر بحث های حقوقی، در حقوق بین الملل مطرح شده و در گرد همایی های جهانی، عهدنامه هایی نیز در این خصوص به تصویب رسیده است:

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر:

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ پس از تصویب در کمیسیون حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و مشتمل بر ۳۰ ماده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون آن که سند قانونی محسوب شود صرفاً به علت این که از جانب عالی ترین مرجع بین المللی تأیید شده، حائز اهمیت است (اخوان، ۱۳۹۵: ۶۹). اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ۲۵ ماده با وجود این که تنها بین مسلمانان معتبر است؛ ولی از آنجا که مسلمانان به عنوان بزرگترین اقلیت در جهان به شمار می آیند، از اهمیتی ویژه برخوردار است (فرد، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در مقدمه آن آمده است: «مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر آرمان مشترکی را برای مقام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائم مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند تا به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آن ها می باشند، تأمین گردد» (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۶).

۲- اعلامیه اسلامی حقوق بشر:

اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام اعلامیه ای است که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم میکند. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ تلقی میشود (احمدنعم، ۱۳۸۱: ۱۲۰). اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ساختار، ترتیب و برخی مضامین خود سخت متأثر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است و مفسران و شارحان آن نیز بدان اشاره کرده اند (اسماعیل عمار، ۲۰۰۲: ۲۱۶).

این اعلامیه در شکل نهایی خود افزون بر مقدمه ای، دارای ۲۵ ماده است و آیه کریمه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۵ بر صدر آن جای دارد. در مقدمه، انگیزه های نگارش این اعلامیه آمده و در آن پس از اشاره به پاره ای از آموزه های دین اسلام مانند: توحید به مثابه سنگ پایه این آیین، جامعیت آن، آمیختگی مادی و معنوی و عقل قلب و رعایت قسط در آن و نیاز مبرم بشر گمراه امروز به این آیین و تعالیم آن و تأکید بر آزادی هایی که در این آیین تعیین شده است، گرفته شده است. «بدین جهت، دولت های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد زیر را اعلام می کند» (اسلامی، ۱۳۹۱: ۸۵).

۳- کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو:

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان را بدون تردید می توان اصلی ترین منبع حقوق پناهندگان در چارچوب حقوق بین الملل دانست. اهمیت این کنوانسیون به حدی است که آن را به منزله منشور پناهندگان می دانند.

۴- پروتکل ۱۹۶۷ در مورد وضعیت پناهندگان:

از آنجا که کنوانسیون ۱۹۵۱ از نظر زمانی به رخداد های قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ و از نظر جغرافیایی به اروپا محدود بود، اما پروتکل، کنوانسیون ۱۹۵۱ را در بر می گیرد. دفتر کمیسر یای عالی ملل متحد در مورد پناهندگان در آوریل ۱۹۶۵ در شهر بالجیو^۶

^۵. سوره حجرات، آیه ۱۳.

^۶. Baljio



ایتالیا کنفرانسی تشکیل داد. این کنفرانس متشکل از ۱۳ متخصص حقوقی از کشورها و متخصصان حقوقی بود که پیش نویس پروتکلی به منظور حذف محدودیت زمانی اول ژانویه از کنوانسیون را تهیه کرد (وزیری و حمیسی، ۱۳۸۷: ۳۵۲).

کمیسر عالی، گزارش این کنفرانس را به همراه متن پیشنویس به کمیته اجرایی و کشورهای عضو کنوانسیون ارسال کرده و گزارش را با اصلاحات چندی به شورای اقتصادی اجتماعی فرستاد. شورای اقتصادی اجتماعی در اجلاس پنجاه و یکم خود با تصویب پروتکل آن را به مجمع عمومی فرستاد. مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ پروتکل را در ۱۴ ماده از تصویب گذارند (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۴۸).

۵- کنوانسیون ۱۹۶۹ سازمان وحدت آفریقا (Organization of African Unity):

در سال ۱۹۶۹ کنوانسیونی در سطح کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا به تصویب رسید که عنوان آن «کنوانسیون OAU در مورد جنبه های خاص مسائل پناهندگان آفریقا» نام دارد. این کنوانسیون به دنبال جنگ های استقلال طلبانه، انقلاب ها، آشوب ها و درگیری های قومی در آفریقا که منجر به قرار گروه های بسیاری از وطن خود و پناه بردن به کشورهای دیگر گردید، به تصویب رسید. این کنوانسیون تعریف ویژه و کامل تری را از اصطلاح پناهنده ارائه داده است که در دویخش است و ضمن تأیید تعریف موجود در ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، «اشخاصی را که به سبب تجاوز خارجی، اشغال، تسلط خارجی یا رویدادهایی که به طور جدی نظم عمومی را در بخشی از کشور محل تولد یا تابعیتش برهم زده باشد»، مجبور به ترک کشورشان می شده اند را به عنوان پناهنده می شناسد، بدون اینکه لازم باشد ترس موجه از آزار و اذراء را به اثبات رسانند. همان طور که ملاحظه می گردد، این تعریف دامنه شمول تعریف مندرج در ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ را توسعه داده، به نحوی که افراد بیشتری را از حمایت های آن برخوردار می سازد (شاه حسینی، ۱۳۹۳: ۳۹).

۶- اعلامیه ۱۹۸۴ آمریکایی کارتاژنا^۷:

در سال ۱۹۸۴ به ابتکار کمیسر عالی ملل متحد در امور پناهندگان جلسه ای مرکب از نمایندگان دول و قضات برجسته آمریکای لاتین در شهر کارتاژنای کلمبیا برای بررسی مشکلات پناهندگان در این منطقه تشکیل و منجر به تصویب قطعنامه ای با عنوان فوق گردید. این اعلامیه نیز ضمن پذیرش تعریف مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ افرادی که به واسطه شیوع خشونت عمومی، تجاوز خارجی، کشمکش های داخلی، نقض وسیع حقوق بشر یا دیگر شرایطی که نظم عمومی را به طور جدی برهم می زند، جان، امنیت و آزادی شان مورد تهدید قرار گرفته و از وطن خود گریخته اند را مشمول تعریف پناهنده می داند (حسینی هنجی، ۱۳۹۲: ۱۹).

۷- اساسنامه کمیسریای عالی ملل متحد برای پناهندگان:

بندهای ۶ و ۹ فصل دوم اساسنامه فوق به تعریف واژه پناهنده پرداخته است. در این تعریف ضمن تأیید تعریف موجود در اسناد پیشین پناهنده به شخصی اطلاق می گردد که در نتیجه حوادث اتفاق افتاده قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ مورد آزار و اذراء قرار گرفته و هر شخص دیگری نیز که به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا عقیده سیاسی خود ترس موجهی از آزار و اذراء داشته و خارج از کشور متبوع خود یا اگر فاقد تابعیت است، خارج از محل عادی سکونت خود به سر می برد و به دلیل همین ترس مایل به استفاده از حمایت آن کشور نبوده و اگر فاقد تابعیت است بدین دلایل نمی تواند به محل سکونت عادی خود باز گردد (هدایتی، ۱۳۹۶: ۴۶).

تفاوتی که بین «پناهنده» طبق اساسنامه UNHCR^۸ و کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو وجود دارد این است که برای این که کسی بخواهد از حقوق مندرج در کنوانسیون و حمایت های آن برخوردار شود، می بایست حتماً توسط یکی از کشورهای عضو کنوانسیون به عنوان پناهنده شناخته شده باشد. لیکن اگر کسی بخواهد از حمایت های مندرج در اساسنامه برخوردار شود، چنین ضرورتی در کار نبوده و تنها کافی است که طبق نظر دفتر کمیسریا به عنوان پناهنده شناخته شود یا در زمره سایر گروه های تحت حمایت کمیسر عالی قرار گیرد. بنابراین ممکن است افرادی وجود داشته باشند که طبق اساسنامه UNHCR پناهنده محسوب شده لیکن از نظر دولتی که به آن پناه آورده اند از چنین وضعیتی برخوردار نباشند (شاه حسینی، ۱۳۹۳: ۳۷).

۸- قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

^۷. Carthage

^۸. United Nations High Commissioner for Refugees



مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش بسیار مهم و موثری در توسعه و تحول حقوق بین الملل پناهندگان و حمایت بین المللی از آن ها داشته است. «قطعنامه های مجمع عمومی» بدون آنکه مستقیماً تغییری در اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان ایجاد نمایند، دامنۀ وظایف و مسئولیت های آن را متحول ساخته اند. در حقیقت قطعنامه های مجمع عمومی را از یک نظر می توان «تفسیر و تغییر اساسنامه در سایه تحولات بین المللی»^۹ دانست. برخی دیگر از قطعنامه های مجمع عمومی نیز در عین حفظ تعریف اصلی افرادی که در حوزه صلاحیت کمیساریا قرار می گیرند، عملاً افراد بیشتری را در این حوزه قرار داده اند. این قطعنامه ها عمدتاً با مفهوم «مُساعی جَمِیلَه» که خصوصاً در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقش بسیار با اهمیتی در فعالیت های UNHCR داده اند. این قطعنامه ها عمدتاً با مفهوم «مُساعی جَمِیلَه»^{۱۰} که خصوصاً در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقش بسیار با اهمیتی در فعالیت های UNHCR داشتند، مرتبط هستند (Schnyder, 1965: 339).

۴- نتیجه گیری

از آن جایی که در طول تاریخ همواره ظلم و ستمگری حکومت ها، استبداد، جنگ ها و... وجود داشته و دارد، بنابراین همواره در این میان افرادی ترجیح داده یا مجبور به ترک وطن خود و پناه بردن به دیار دیگر شده اند و بر این اساس پدیده و وضعیت پناهندگی به وجود آمده است.

فرد پناهنده، دارای حقوق و تکالیف مشخص بر اساس موازین بین المللی می باشد؛ ولی حمایت از این گروه از افراد همیشه دستخوش منافع و مصالح سیاسی دولت ها بوده است. این واقعیت پذیرفته شده که نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از علل عمده مسأله پناهندگی است. اگر حقوق بشر و شرایط بشردوستانه در کشور مبدأ بهبود یابد، شاید بتوان از جریانات پناهندگی آتی جلوگیری کرد و یا آن ها را کاهش داد. اگر حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر به عنوان هدفی مشترک و یکسان، به حمایت از افراد در قبال اقدامات بر علیه تمامیت شخصی در منازعات مسلحانه یا در زمان صلح بپردازند، تعجب آور نیست که این دو شاخه حقوق بین الملل مکمل یکدیگر باشند. به علاوه یکسانی هدف آن ها به تلاقی محتوی و تفسیر در اعمال این حقوق منجر شده است.

از آنجا که مخاصمات مسلحانه، موج عظیمی از آوارگی انسان ها را به دنبال می آورد و انسان های نیازمند به حمایت بین المللی متقاضی پناهندگی می گردند، از این رو حقوق پناهندگان با حقوق بین الملل بشر دوستانه مرتبط می باشد. این امر شامل: گسترش مفاهیم حقوق پناهندگی و به کارگیری اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می گردد. دو بُعد خاص راهبردی که این تحول را نشان می دهند، عبارتند از:

۱- تضمین آزادی های فردی ۲- تقویت حمایت درون کشوری.

حقوق بشردوستانه وقوانین حقوق بشر، اغلب اهداف و آمال یکسانی دارند. هدف اولیه آنها؛ توسعه حمایت از حقوق بشر در هر شرایطی و در تمام انواع منازعه ها و کشمکش ها است. در زمینه پناهندگی نیز شناسایی و احترام به حداقل استانداردهای بشردوستانه می تواند هم در کشور مبدأ برای جلوگیری از موج های عظیم پناهندگی و هم در کشورهای محل اقامت و یا در صورت بازگشت به وطن، برای ایجاد حداقل شرایط بشردوستانه لازم برای راه حل های قابل دوام، مفید باشد.

در حال حاضر، این واقعیت پذیرفته شده که نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از علل عمده مسأله پناهندگی است. اگر حقوق بشر و شرایط بشردوستانه در کشور مبدأ بهبود یابد، شاید بتوان از جریانات پناهندگی آتی جلوگیری کرد و یا آنها را کاهش داد. اگر حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر به عنوان هدفی مشترک و یکسان، به حمایت از افراد در قبال تمام اقدامات بر علیه تمامیت شخصی در منازعات مسلحانه یا در زمان صلح بپردازند، تعجب آور نیست که این دو شاخه حقوق بین الملل، مکمل یکدیگر باشند. به علاوه یکسانی هدف آن ها به تلاقی محتوی و تفسیر در اعمال این حقوق منجر شده است.

⁹. International developments

¹⁰. Listen to Jamila



منابع

- اخوان، منیره (۱۳۹۵)، "پناهندگی سیاسی، مفهومی بشردوستانه یا ابزاری سیاسی"، پژوهش نامه حقوق بشری، ۱(۳)، ۶۰-۸۰.
- اردلان، اسعد (۱۳۸۷)، "پناهندگی دیپلماتیک"، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲(۴)، ۹۵۱-۹۸۰.
- اسلامی، حسن (۱۳۹۱)، "اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری ها"، حقوق بشر، ۷(۲)، ۷۵-۹۰.
- اسماعیل عمار، محمود (۲۰۰۲)، «حقوق الانسان بين التطبيق و الضیاع»، دارالمجدالوی للنشر و التوزیع، عمان.
- اکبری، حمدالله (۱۳۹۹)، «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، انتشارات: ترفند.
- بوآزار، مارسل (۱۳۶۹)، «اسلام و جهان امروز»، ترجمه مسعود محمدی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جبل عاملی (۱۴۱۰ق)، «زین الدین، روضه البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة»، سید محمد کالنترج، ۲، بیروت، چاپ اول.
- حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۴۲۰)، «تحریر الاحکام»، مؤسسه الامام الصادق، ج ۱، چاپ اول، قم.
- حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۳۶۸)، «قواعد الکلام»، دارالاحیاء التراث، بیروت، جلد اول.
- حسینی هنجنی، حمیده (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت حقوقی اجتماعی پناهندگان زن در نظام حقوق بین الملل»، پایان نامه، دانشگاه آزاد اسلامی.
- حمیدی نژاد، مجید (۱۳۹۰)، «پایان پناهندگی در حقوق بشر بین الملل با نگاهی به حقوق داخلی ایران»، پایان نامه، دانشگاه مفید.
- خضری، رویا (۱۳۸۶)، "تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در حمایت از پناهندگان"، سیاست خارجی، ۲۰۵، ۸۱-۱۰۵.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۸۶)، «اسلام و حقوق بین الملل خصوصی»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- زنجانی، حبیب اله (۱۳۸۵)، «مهاجرت»، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۴)، "چارچوب های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین الملل: مطالعه موردی ایران، مجله تحقیقات جغرافیایی، ۱، ۷۸-۲۵.
- سرفراز، فرشید (۱۳۹۳)، پناهندگی: مفهوم، دگرگونی های تاریخی و جایگاه آن در نظام بین الملل کنونی، مجله سیاسی - اقتصادی، ۲۹۶، ۷۰-۹۰.
- شاه حسینی، پوریا (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگان در اسلام و حقوق بین الملل»، پایان نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد دامغان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، «المبسوط»، ناشر: مکتب المرتضویه.
- فرد، فتانه (۱۳۹۶)، نظام حقوقی و عملکرد دولت ترکیه در رابطه با پناهندگان سوری پس از وقایع ۲۰۱۱، پایان نامه، دانشگاه دانشگاه مفید.
- فره‌بخته، شمس الدین (۱۳۷۷)، «فرهنگ فره‌بخته»، انتشارات زرین، تهران.
- قلی پور، رحمت اله و حسام پور، فرحناز (۱۳۸۶)، «تحلیل اجتماعی فرار مغزها»، چاپ اول، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.
- کریمی، رقیه (۱۳۸۹)، "نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین الملل"، معرفت، ۱۵۴، ۲۵-۴۰.
- کمیتة ملی حقوق بشردوستانه (۱۳۸۱)، «آشنایی با حقوق بین الملل بشردوستانه به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی»، تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، «بحار الانوار»، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۶۹)، «حقوق بین الملل خصوصی»، تهران، بی جا.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، «فرهنگ معین در یک جلد»، انتشارات زرین، تهران.
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۲)، «مقدمه ای بر تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه؛ رابطه متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر.
- نظری تاج آبادی، حمید (۱۳۶۹)، «بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی»، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.



نظری، حمید (۱۳۶۷)، "مبانی حقوقی پناهندگی"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۴(۲۰)، ۱۰-۳۰.

وزیری، مجید، علیرضا حمیسی (۱۳۸۷)، "اصول مشروعیت پناهندگی و موارد مشابه آن در حقوق موضوعه"، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۸(۲)، ۳۵۰-۳۷۰.

هدایتی علی آباد، زهرا (۱۳۹۶)، «وضعیت حقوقی پناهجویان ناشی از مخاصمات مسلحانه داخلی با تاکید بر پناهجویان سوریه به اروپا»، پایان نامه، دانشگاه دانشگاه مفید.

Schnyder, F. (1965). Les aspects juridiques actuels du problème des réfugiés. Martinus Nijhoff.